

قالی بافی در روستای نوش آباد کاشان

دهستان نوش آباد از بخش آن از توابع کاشان است با ۱۰ - ۳۴ عرض شمالی و ۲۶ - ۵۱ طول شرقی مشخص می شود و جز آران و بیدگل و کاشان همسایه نزدیکی ندارد .

خارج از نوش آباد جزسکوت سنگین کویر و ماتم زمین های محروم از کشت و غربت قنات های خشک و نجوای تپه های شنی که هر ماه بیش از چندگام بارای رفتنشان نیست ، پیامی وجود ندارد، حال آنکه درون خانه های ده و بخصوص درون اطاق های قالیبافی ، پیام ، پیام حرکت است و کوشش ، تلاش خستگی ناپذیر و رفت و آمد و جنب و جوشی که از سحر گاهان تا دیری از شب گذشته، خاموش نمی گیرد .

سابقه قالیبافی :

به درستی نمی توان گفت که هنر قالیبافی از کدام نقطه زمین آغاز شده است

محمد علی احمدیان

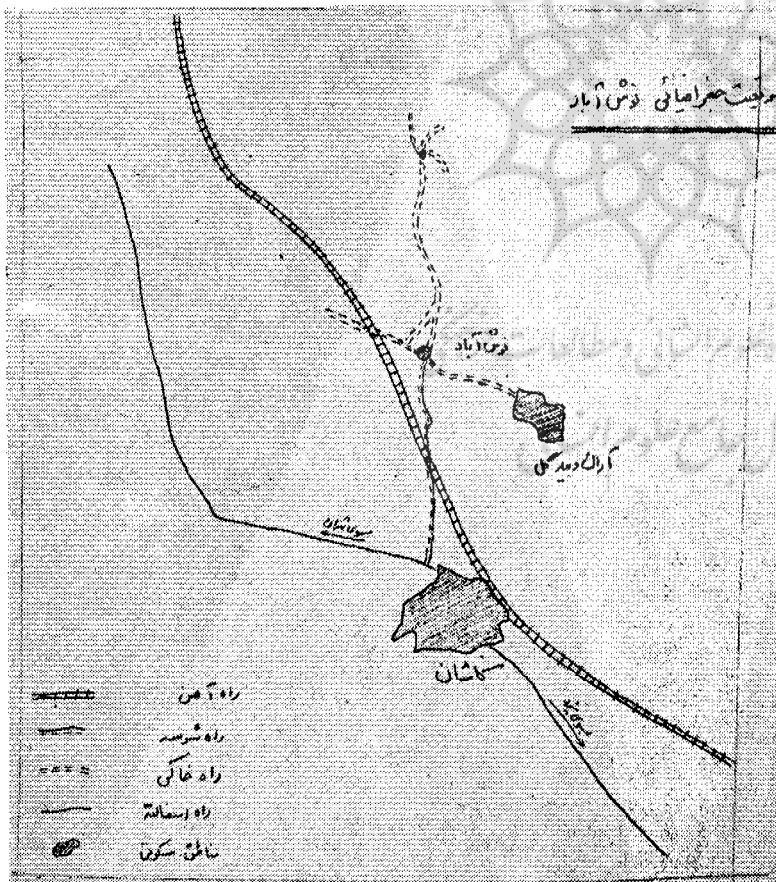
از پژوهش های مرکز مردم شناسی

معرفی نوش آباد و موقعیت جغرافیائی آن:

روستائی است شهر مانند، بامساجدی کهن، که به ادعای روستائیان ، یکی از آنها سابقا آتشکده بوده است. راهروهای زیرزمینی و حکایت هایی که از جمشید و خسرو انوشیروان و گبرها بر سر زبانهاست، خبر از گذشته ای دور و سوابق طولانی حیات اجتماعی در این مکان می دهد. می گویند نزدیک محلی بنام تختگاه (که فعلا مغازه نانوائی و بقالی است) زنجیری وجود داشته که يك سرش در زمین بوده و سر دیگرش به آسمان می رفته است. گناهکارانی که دست بر این زنجیر گرفته و بر بی گناهی خویش سوگند یاد کرده اند، بنا گهان ناپدید شده اند و دیگر کسی نشانی از آنان نیافته است .

جمعیتی معادل هفت هزار نفر دارد که نزدیک به چهار هزار آن، به قالیبافی اشتغال دارند.

این روستا در پهنه کم عارضه کویری خشک در ده کیلومتری شمال کاشان، سر به بالین مسیلی نهاده است که در فصل بارندگی به سیلابهای تند و موقتی تن می شوید. موقعیت هندسی نوش آباد که مرکز



ولی قدیمترین قالیچه موجود که هم اکنون در موزه «آرمیتاژ» لنین گراد نگهداری می شود از حضاریهای شمال ترکستان در تابوت یکی از ساتراپهای هخامنشی بدست آمده است. در ایران نیز تاریخچه دقیق قالیبافی را نمی توان تعیین کرد و همینقدر میتوان گفت وجود قالی بهارستان که شاهکار هنر و زینت بخش یکی از قصرهای شاهان ساسانی بوده است و شواهدی از این قبیل، خود مستلزم تجربه و مهارت فراوانی بوده که حصول آن جز در زمانی طولانی امکان پذیر نمی نماید.

بهر حال سابقه قالیبافی در ایران هر چند نامعلوم، ولی طولانی است و همزمان با بروز حوادث گوناگون تاریخی، فراز و نشیب فراوانی پیموده است. از این میان عصر نفوذ فرهنگ اسلامی و حکومت صفویان به عنوان دو دوره بازدارنده

و حرکت دهنده، کاملاً مشخص است. به- موازات شور و شوقی که در عصر صفویه در زمینه هنرها و فنون پدیدارگشت، قالیبافی هم اشاعه فراوان یافت. کاشان که از پیش، در زمینه بافندگی با تجربیات ارزنده ای دست یافته بود و در این دوره بافته های مخملی و زری اش شهرت جهانی پیدا کرده بود، فن قالیبافی را به اوج کمال رسانید. از این پس حوادث تاریخی نامطلوب و بخصوص حمله افغانها، هنر بافندگی را با رکود مواجه ساخت و ورود ماشین های نساجی کاشان، طومار کارگاه های دستی پارچه بافی را تقریباً درهم پیچید و ناگزیر همه تلاش هنرمندان کاشانی متوجه قالی شد. برخی از روستاهای اطراف کاشان، مثل نوش آباد، که از تجربیاتی در کار قالیبافی بهره ور بودند و به دلایل خاصی آمادگی پذیرش آن را به عنوان

رکن اساسی معیشت داشتند نقش عمده ای در این زمینه بر عهده گرفتند.

* * *

در مورد سابقه قالیبافی در نوش آباد، پیرمردی هشتادساله چنین می گوید:
شصت سال پیش از این یکی از اهالی نوش آباد از کاشان زنی گرفت که قالیبافی می دانست. این زن در نوش آباد اولین دستگاه قالیبافی را بر پا کرد و بقیه رفته رفته از او تبعیت کردند.
همانگونه که از محتوای این گفته

- ۱- هر چند رقم جمعیت نوش آباد از پنج هزار افزون است، لکن به علت حفظ خصوصیات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و روستائی، هنوز نام شهر به آن اطلاق نشده است.
- ۲- طبق آمارهای که نگارنده در سال ۲۵۳۳ در محل بدست آورده است.

سیمای عمومی نوش آباد



برمی آید و قبلاً هم اشاره شد، دامنه قالیبافی از کاشان به نوش آباد کشیده شد، همچنانکه به بسیاری از روستاهای دیگر. منتهی زمینۀ مساعدی لازم بوده، تا راه ورود این فن هموار شود و از آنجا که این زمینۀ در تمامی روستاهای اطراف کاشان فراهم نبوده، قالیبافی هم در همه جا، جز چند روستا، اجازه توسعه نیافته است.

زمانی بیش از سی قنات که بسیاری از آنها به تبعیت از شیب کلی منطقه، از جنوب به شمال جریان داشته است یعنی از دامنه های جنوبی کاشان آغاز می شده، از کاشان فعلی گذشته، اراضی کشاورزی اطراف نوش آباد را آبیاری می کرده است. لکن از زمان حفر چاه های عمیق، کاشان برای تأمین آب نوشیدنی و آب مصرفی کارخانه های ریسندگی و بافندگی و نیز به علت مدفون شدن بسیاری از حلقه چاه های قنات در زیر بخش های مسکونی تازه ساز کاشان، قسمت اعظم قنات نوش آباد به خشکی گرائید و کشاورزی در این منطقه کویری و خشک با مشکلات بزرگتری مواجه شد. نزدیکی این روستا به کاشان و احداث کارخانجات ریسندگی و بافندگی و گسترش فعالیتهای اقتصادی و افزایش نیازهای مصرفی بخصوص در بخش مسکن و ایجاد مشاغل تازه در این شهر، نوش-آبادیهای سرخورده از کشاورزی را که به سوك قنات های خشك شده نشسته بودند به کاشان کشید. تاجران قالی از این فرصت سود جستند و دستگاه های قالیبافی را به خانه نوش آبادی ها آوردند تا نه تنها مردان، بلکه زنان و کودکان را بکار بکشند. بهر طریق، امروز نوش آباد به قدری در امر قالیبافی پیش رفته است که میتوان آنرا روستای قالیباف نامید.

قالیبافی نه تنها چرخ اقتصاد این روستا را بر محور خود به چرخش می آورد بلکه در شئون اجتماعی و اعتقادی مؤثر می افتد و روابط خاصی میان مردم این روستا و بر خوردهای تازه ای را با اهالی کاشان مطرح می کند. اعتقادات و رسوم

مرتبط با این صنعت ایجاد می گردد و مبادلات پولی و بانکی جدیدی اشاعه می یابد، حتی سبک ساختمان و موازین زندگی دگرگون می شود.

هم اکنون بیش از هزار و دویست و پنجاه دستگاه قالیبافی در نوش آباد وجود دارد که حدوداً چهار هزار نفر را به قالیبافی واداشته است. همانطوری که بیان شد قالیها را برای شرکت سهامی فرش ایران، یا تجار کاشانی می بافته اند.

ولی رفته رفته وضع مالی مساعدی یافته، با قرض پول از بانکها و صرافان، برای خودشان قالی زده اند، به طوری که امروز به ندرت می توان کسی را یافت که برای تجار کاشان و با شرکت سهامی فرش ایران قالی بیافد. تعداد معدودی هم که برای تجار قالی می بافند، ابتدا مواد اولیه مورد لزوم را دریافت داشتند، سپس قالی بافته شده را به کاشان نزد افراد متخصص می برند تا میزان مزد را با توجه به اندازه قالی و کار انجام شده تعیین نمایند.

بسیاری از افراد از بانکها وام می گیرند. اما از آنجا که اخذ وام برای همه مقدور نیست و غالباً توأم با دوندگی و دردسر فراوان است، بعضی دست به دامان صرافان می زنند و با بهره بیست و پنج و گاهی چهل درصد پول قرض می کنند. صراف قبل از پرداخت پول بهره آن را تا آخر مدت، از اصل پول کم می کند. با توجه به اجحاف صرافان و نقرتی که در شریعت اسلام نسبت به آنان ابراز شده است، هم مورد احتیاج و هم مورد بی مهری مردم نوش آباد هستند. ۳ سابقاً نوش آبادی ها از بانک کشاورزی کاشان وام می گرفتند ولی از چند سال پیش کار بانک کشاورزی به بانک تعاون روستائی محول شد. عنوان وامها فرق می کرده است، گاه برای قناتی و گاه به کشاورزی یا دامداری اختصاص داشته که مبلغ آن هم به زحمت از بیست هزار ریال تجاوز می کرده است. اخیراً وام مخصوص جهت قالیبافی می پردازند. مشروط بر اینکه ابتدا میزان احتیاج و سپس

اعتبار وامخواه از طرف بانک با مشورت انجمن ده ارزیابی شود. شرکت تعاونی روستائی نوش آباد هم به سهامدارانش وام می دهد. هر سهمی پنجاه ریال است و هر سهامدار می تواند پس از یک سال چهار برابر سهمش وام بگیرد. البته این شرکت هم مانند بانک تعاونی روستائی، شش درصد در سال بهره می گیرد و از همان ابتدا بهره اش را از اصل وام کم می کند، ضمناً در برابر هر هزار ریال وام، پنجاه ریال به عنوان سهم برمی دارد و بر سهام وام گیرنده می افزاید. بسیاری از خانواده های نوش آباد در خانه دو دستگاه قالی بافی دارند، یکی برای خودشان و دیگری برای تجار یا شرکت فرش. قالیبافی مهم ترین مشغله ای است که بزرگ و کوچک، اعم از زن و مرد را به خود مشغول داشته است. رواج این فن موجب قطع مهاجرت های فصلی و دائمی نوش آبادی ها به خارج از ده شده است. توضیح اینکه از بیست سال پیش سیل مهاجرت به سوی کاشان و قم و تهران و سایر روستاهای مجاور آغاز شد. محله نوش آبادی ها در کاشان و نیز حضور بیش از دو هزار نوش آبادی در بی سیم نجف آباد «تهران» یادگاری از آن دوران است. تا هفت سال پیش، یک مهاجرت فصلی هم بین نوش آباد و تهران جریان داشت که کارگران نوش آباد را برای سزیکاری و صیفی کاری و سایر فعالیت های کشاورزی به اطراف تهران می کشانید. هم اکنون به مدد قالیبافی جریان مهاجرت های موقتی و دائمی قطع شده و نوش آبادیها زندگی مرفهی یافته اند و در سطح درآمدشان افزایش چشم گیری حاصل شده است.

فن قالیبافی :

شاگردی را که به کار قالیبافی می گمارند، ابتدا به ریشه زنی یعنی گره زدن «خامه»^۴ به دور «تار» دستگاه وامی دارند. مبتدیان در آغاز، ریشه یا خامه های هم رنگ را گره می زنند و به اصطلاح به پر کردن چاله (Calê) های پردازند. دومین

مرحله‌ای که شاگرد قالبیاف فرا می‌گیرد، عبارتست از «سیازدن» یعنی پیاده کردن نقشه روی متن قالی.

این اساس کلی قالبیافی است به‌اضافه اینکه پس از بافتن يك ردیف عوضی، که به‌گوش محلّی رج Rec می‌گویند،^۶ «پود» هم می‌دهند. اما خارج از این قاعده کلی، طرائف بی‌شمار و دقائق فراوانی در کار قالبیافی نهفته است که بعضی از خود قالبیافی و برخی دیگر از سودجوئی و کسب منفعت بیشتر ناشی شده است.

قالبیافی در نوش‌آباد غالباً بر محور بافت قالیچه‌های پشمی کوچک سه در چهار متر دور می‌زند. هر چند قالی‌های «کاموا»^۷ که جنسشان از کاموا و قیمتشان گران است، به‌سرمایه تاجران قالی در نوش‌آباد بافته می‌شود ولی اکثریت با قالیچه‌های سه در چهار متر یا سه متر و بیست در چهار متر و بیست سانتیمتری است که

از پشم گوسفند (و بخصوص پشمی که از یزد می‌آید) بافته می‌شود.

مجموعه ده ریشه را در جهت عرض قالی، يك «خانه» می‌گویند. يك قالی‌سدر چهارمتر مرغوب، قاعدتاً می‌باید در جهت عرضی، شصت‌خانه داشته‌باشد لکن برای اینکه منفعت بیشتری کسب کنند و مواد اولیه کمتری به‌کاربرند، همین سه‌متر پهنا را به نحوی می‌بافند که از پنجاه‌خانه تجاوز نکند. در طول نیز برای آنکه صرفه‌جوئی کرده باشند، پود کلفت‌تری به‌کار می‌برند و به این ترتیب از مرغوبیت قالی کاسته می‌شود.

یکی دیگر از راه‌های صرفه‌جوئی جفتی‌بافی (jofti-bâfi) است. اگر تار هائی را که ریشه می‌باید به آنها گره بخورد، از سمت چپ شماره‌گذاری کنیم، اولین ریشه می‌باید تارهای شماره يك و دورابه هم ببندد و دومین ریشه، تارهای شماره

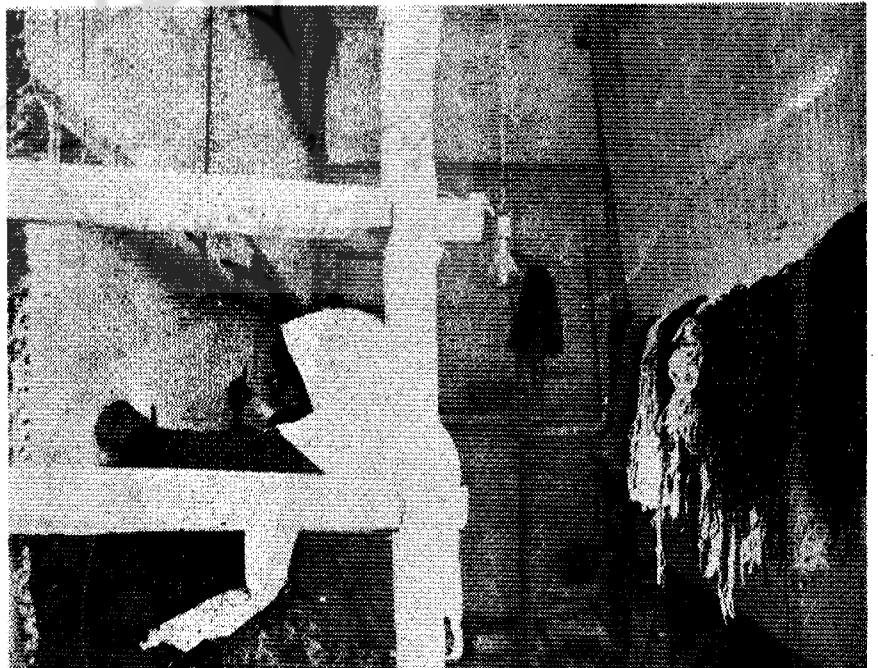
سه و چهار را، حال آنکه در جفتی‌بافی، ریشه اول، تارهای شماره يك و دو سه و چهار را بهم گره می‌زند و ریشه دوم تارهای شماره پنج و شش و هفت و هشت را بهم می‌بندد. بدین ترتیب در يك ردیف عرض به‌عوض آنکه مثلاً شصت‌ریشه گره بخورد، سیصد ریشه گره می‌خورد، در عین حال خریداران خبره قالی و قالیچه، فئونی بکار می‌برند که آنها را از کیفیت بافت قالی و مرغوبیت آن مطلع می‌کند. به‌عنوان نمونه باید گفت نوك انگشت شست‌تایر جستگی انتهائی آنرا (که در دستهای معمولی تقریباً شش سانتیمتر است) پشت قالی می‌گذارند و در جهت طولی قالی آنرا اندازه می‌گیرند و طبق ضوابطی که دارند به کیفیت بافت آن پی‌می‌برند. این فاصله طولی که يك گره (Gere) نامیده میشود، در يك قالیچه شصت رج، پهنا می‌باید سی و پنج رج باشد. اگر کمتر از این باشد، نشانه آنست که در بافت آن قالیچه پود کلفت بکار برده شده و خوب شانه نخورده و نتیجتاً تو خالی شده‌است.

میان قالبیافان این روستا اصطلاحات خاصی رایج است که برخی از آنها ذکر شد و بعضی دیگر به شرح زیر است:

قسط (Qest) : سی‌وسه خانه در جهت طولی قالی.

فن قالی‌بافی : شاگردی را که به‌کار قالبیافی می‌گمارند، ابتدا به ریشه زنی یعنی به‌گره زدن «خانه»^۱ به دور «تا»^۲ دستگاه وامی‌دارند

- ۱ - نخ‌های پشمی رنگ شده که بمنزله سلول‌های تشکیل‌دهنده قالی هستند.
- ۲ - نخ‌های به هم تابیده محکمی که از بالای دستگاه قالی‌بافی به پائین آن کشیده شده و چگه Celle هم نامیده می‌شود. هر ده چگه را يك خانه می‌گویند.



۳ - من خود دیدم که بردیوار یکی از کوچه های نوش‌آباد با خط درشت چنین نوشته بود «بر صرف پول خور لعنت.»

۴ - نخ‌های پشمی رنگ شده که بمنزله سلول های تشکیل دهنده قالی هستند.

۵ - نخ‌های به هم تابیده محکمی که از بالای دستگاه قالبیافی، به پائین آن کشیده شده، چگه Celle هم نامیده میشود. هر ده چگه را يك خانه می‌گویند.

۶ - پود، نخ بهم تابیده آبی رنگی است که قسمتی کلفت و قسمتی دیگر نازک است. پودی را که دور هم پیچیده شده، به صورت گلوله نخ می‌درآمده است، گندله Gondole می‌گویند.

۷ - پشم و نایلون بهم تابیده است.

تیکه (Tikke) : يك سوم عرض قالی؛ یعنی اگر يك قالی را در جهت طولی به سه قسمت تقسیم کنیم؛ هر کدام را يك تیکه گویند.

خانه : مجموع ده رچ، چه در جهت عرض و چه در طول .

حاشیه : نوارهای باریکی که دور تا دور قالی را احاطه کرده است.

بوم Boom : که به آن متن یا زمینه هم اطلاق می کنند، آن قسمت از قالی را گویند که در حاشیه محصور است.

واگیره Vâgire : نصف حاشیه در جهت طولی.

مواد اولیه قالیبافی:

مهمترین مواد اولیه مورد لزوم در قالیبافی ، پشم و پود و کامواست. مقدار کمی از پشم مصرفی، از خودروستا تأمین می شود ولی غالباً پشمی که به دست قالیباف نوش آبادی می رسد . پشمی است که از یزد، کاشان، مشهد، سبزوار، اصفهان، خوانسار، قزوین، کرمان ، تبریز ، همدان و گاه از استرالیا و ترکیه و برخی ممالک دیگر آمده است . پشم های خارجی خالص و یکدست نیست بلکه غالباً با مقداری پشم مصنوعی مخلوط است، از این روی خوب رنگ نمی گیرد، یعنی به میزان درصد پشم مصنوعی که در آنهاست، رنگشان با هم متفاوت می شود و نتیجتاً رنگ قالی یکنواخت در نمی آید. به همین جهت پشم خارجی خریدار فراوانی ندارد. بهترین پشم آنچنانکه خودشان می گویند، پشمی است که از یزد و مشهد و سبزوار می آید. فروشندگان پشم غالباً هر دو تن پشم مرغوب را بانیم تن پشم معمولی مخلوط میکنند میفرشند، پود از جمله مواد اولیه مهمی است که در قالیبافی بکار می رود. رنگ پود همیشه آبی است. به نسبت هر بقچه پشم که چهارونیم کیلو وزن دارد، کمتر از يك کیلو و نیم پود کلفت و نیم کیلو پود نازک بکار میبرند،

کاموا بسیار کم مورد استفاده قرار میگیرد، زیرا قالی های کاموائی به علت گرانی کاموا نیازمند سرمایه فراوان است و فقط کسانی به بافتن آن اقدام می کنند که سرمایه اشان از طرف تجار بزرگ یا شرکت سهامی فرش ایران تأمین می شود. هر بقچه کاموا چهار هزار ریال ارزش دارد و در مقایسه با پشم، تقریباً هر بقچه هزارو چهارصد ریال گرانتر است.

ابزار قالیبافی :

دستگاهی که با آن قالی می بافند چهارچوب مستطیل شکلی است که به گویش محلی، «دار» Dâr نامیده می شود. تیرهای جانبی را که به طور عمودی پای در زمین محکم کرده است «راسترو» و «چپرو» و تیرهای افقی را که یکی بالا و دیگری پائین قرار گرفته ، به ترتیب « سردار » و «زیردار» می نامند.

«تار» از «زیردار» به «سردار» می رود و از پشت برمی گردد ، برای جدا کردن تار از پود، چوب باریک و درازی در جهت عرض، از میان تارها عبور میدهند که «کمان» نام دارد. تخته پهنی که طولش کمی بیش از عرض دستگاه و عرض تقریباً سی سانتیمتر است، بطور افقی، روی پله های دو زردبان که مماس با «راسترو» و «چپرو»، بطور عمودی کار گذاشته شده، قرار می دهند تا هنگام قالیبافی روی آن بنشینند و به قالی مسلط باشند .

پائین دستگاه ، در جهت عرض آن، پارچه ای کشیده اند که تکه های نخ و اضافات ریشه ها و هم چنین پرز آنها که سرکش (Sarkas) نامیده می شود، روی زمین نریزد و به هدر نرود . این پارچه را پابند Pâ-band می گویند.

دستگاه های قالیبافی عرض و طول یکسانی ندارند ولی غالباً عرضشان پنجاه و شش یا شصت خانه است. البته وقتی که می گویند عرض يك دستگاه شصت خانه

پابند (Pâ-band)



است، از لبه کناری تا وسط را منظور دارند و روی این حساب تعداد تارهای یکدستگاه شصت خانه‌ای هزارو دوست رشته است. این عرض متداول‌ترین قالی هاست، ولی قالی‌هایی هم هست که عرضشان کمتر یا بیشتر از این است. گاه عرض دستگاه‌های قالیبافی تا نودخانه افزایش می‌یابد (مجموعاً هزارو هشتصد چله).

طول قالی‌ها نیز متفاوت است. هر چقدر بخواهند می‌توانند بر طول بیفزایند، یعنی از بالا بیافند و در زیر جمع کنند ولی این نکته را هم می‌باید متذکر شد که معمولاً طول قالی متناسب با عرض آن است، مثلاً اگر عرض یک قالی پنجاه و شش خانه باشد، طولش از اما هشتاد و شش خانه است و یا اگر برای عرض پنجاه و هشت خانه در نظر بگیرند، طول را هم نودخانه می‌گیرند.

«دار» قالی بوسیله متخصصین محلی ساخته و برپا می‌شود و هم‌اینان درپائین کشیدن قالی‌های بافته‌شده به قالیبافان کمک

می‌کنند، مقداری از مزد ساختن و برپا کردن دار قالی را در ابتدا و بقیه را پس از پایان یافتن کار قالی و فروش آن دریافت می‌دارند. اگر کسی متعهد شود که برای شرکت سهامی فرش ایران قالی ببافد، دستگاه را خود شرکت برپا می‌کند.

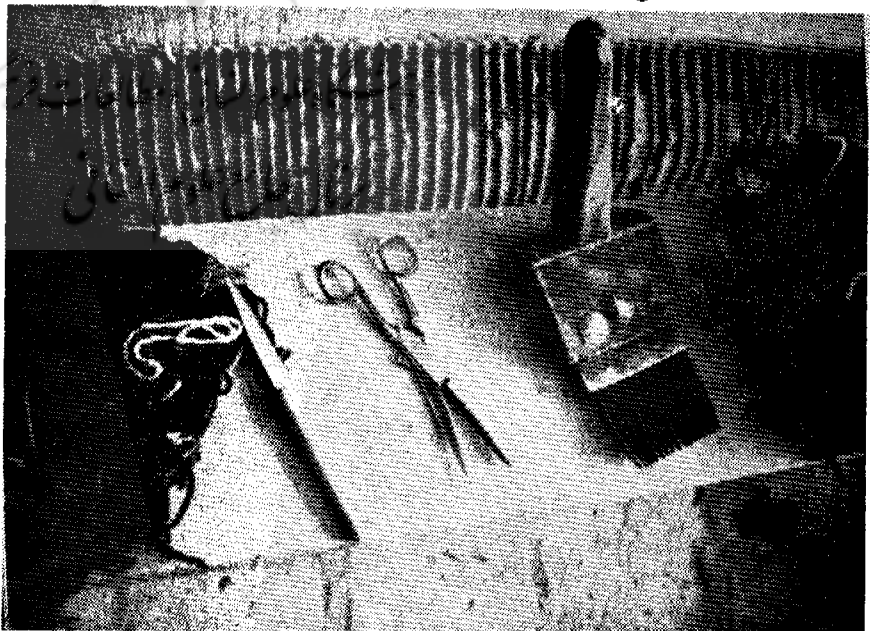
وسایلی که برای بافتن قالی بکار می‌رود همانست که در تصویر شماره چهار نشان داده شده است. این وسایل عبارتند از شانه که در گویش محل شونه Sone نام دارد و برای کوبیدن و محکم کردن ریشه و بود بکار می‌رود؛ قیچی که به آن مقرض Meqrâz می‌گویند و چاقو یا تیغ.

نقشه و رنگ :

طرحی که در نوش آباد عمومیت یافته، ترنج و محراب Toranjo-Mehrab نامیده می‌شود. این طرح را اقتباسی از آثار نصرالله خان همدوره^۸ میرزا عباس صنیعی می‌دانند.

ابزار قالی‌بافی که به گویش محل، به ترتیب از راست به چپ :

- ۱ - شونه Sone
 - ۲ - مقرض Meqrâz
 - ۳ - چاقو یا تیغ
- نامیده می‌شود .



ترنج که تقریباً بیضی شکل است، در وسط و محراب که یک چهارم از همان ترنج است در چهار گوشه قالی قرار می‌گیرد و اینهمه را چندین بار باریک و پهن که حاشیه نام دارد محاصره می‌کند. زمین‌های که ترنج و محراب بر پهنه آن شکل گرفته، غالباً با رنگ قرمز مشخص می‌شود. لکن زمینه خود ترنج و محراب و حاشیه سورمه‌ای است. ترتیب رنگها از کنار به وسط، در محراب و ترنج یکی است، به عبارت دیگر ترتیب رنگهای ترنج، به تبعیت از نقشه آن در محراب‌ها تکرار می‌شود. تصویر شماره پنج، یکی از متداولترین نقشه‌های ترنج و محراب را نشان میدهد.

نقشه دیگری که به علت عدم تقاضای زیاد، از اهمیت چندانی هم برخوردار نیست، افشان نام دارد. این نقشه را اقتباسی از آثار میرزا عباس صنیعی معرفی می‌کنند که کپی‌اش از اصفهان به کاشان و از آنجا به نوش آباد آمده است.

حاشیه نقشه افشان با حاشیه نقشه ترنج و محراب فرقی ندارد، لکن به عوض ترنج و محراب، سرتاسر زمینه از گل و شاخه پوشیده شده است. زمینه نقشه‌های افشان غالباً گلی است. هر چند بوم یا زمینه این دو نقشه باهم متفاوت است ولی نقشه حاشیه در هر دو یکی است.

نقشه قالی را ابتدا روی کاغذهای شطرنجی مخصوصی که از شهر خربداری می‌شود رسم می‌کنند. هر نقطه روی کاغذ معرف یکی از ریشه‌هایی است که به دور «تار» دستگاه گره می‌خورد. برای سهولت کار حتی رنگ ریشه‌ها را هم روی نقشه تعیین می‌کنند.

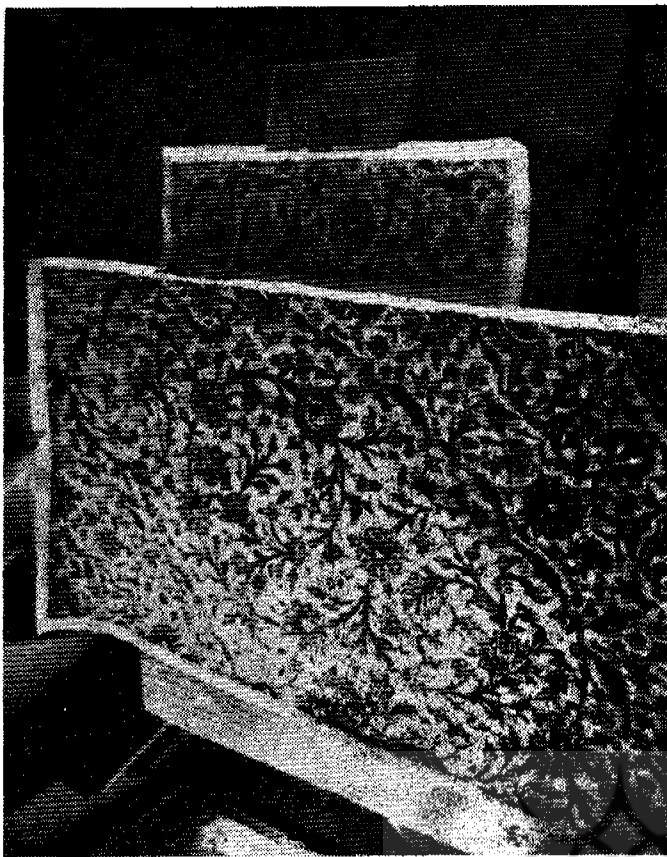
همانطوری که از تصویر شماره شش پیداست، نقشه را در سه قسمت رسم می‌کنند:

- ۱- حاشیه باریک : که در تمام حاشیه باریک قالی تکرار می‌شود.

۸- این همان نقشه لچک و ترنج است که برخی از قالی‌شناسان معتقدند که از زمان صفویه رایج شده و تقلیدی از تذهیب پشت جلد کتابهاست.



- ۲- حاشیه پهن : که در تمام حاشیه پهن قالی تکرار می شود.
- ۳- بوم : يك چهارم از قسمتی که در حاشیه محصور است و باید چهاربار در چهار طرف تکرار شود.
- هر کدام از قسمت های مزبور را روی تابلویی چوبین می چسبانند و به هنگام قالی بافی ، پیش روی می گذارند زیر اداثماً می باید به آنها مراجعه کنند.
- در گذشته نقشه را از کاشان تهیه می کردند، لکن از پنج سال پیش به این طرف نود درصد نقشه ها توسط يك جوان نوش آبادی و دودستیارش که ضمن تحصیل نقشه کشی می کنند ترسیم می شود. رنگهایی
- که در ترسیم نقشه ها بکار میرود چهارده نوع است که برخی از آنها در گویش محلی واژه خاصی دارد این رنگها عبارتند از:
- ۱- سفید .
- ۲- شکری : که همان کرم است.
- ۳- مله ای (Malleii) : رنگی است بین زرد و نارنجی که از مخلوط کردن



شرح تصویر به ترتیب از راست به چپ
۱ : حاشیه باریک
۲ : حاشیه پهن
۳ : بوم

مربوط به قالیبافی نشأت می‌گیرد. بسیار اتفاق می‌افتد که بافنده‌ای مهلت بافتن قالی‌اش به سرآمده در حالی که هنوز کار بافتن قالی را به پایان نرسانده است، در این صورت همکاران و همسایگان به کمکش می‌شتابند. پائین کشیدن قالی، یعنی کندن قالی بافته شده از دستگاه، از عهده یکی دو نفر ساخته نیست، بلکه کار جمعی را ایجاد می‌کند و لذا موجب تماس روستائیان با یکدیگر و استحکام روابط اجتماعی و میانی دوستی میان آنان می‌شود. در نصب دستگاه های قالیبافی نیز، این چنین مواردی مصداق پیدا می‌کند.

بدین گونه است که به یمن ایجاد روابط و برخورد های میان قالیبافان، تاروپود قشر تازه‌ای متفاوت از قشرهای قدیمی و اصیل این روستا بافته می‌شود که تحت عنوان «قشر قالیباف» خود را با همه خصائص اقتصادی و اجتماعی و اعتقادی‌اش در هیأتی خاص تعیین می‌بخشد.

* * *

۳- اجرت نقشه قالی افشان (چهار ذرع × شش ذرع) شش هزار ریال.
۴- اجرت نقشه قالی-ترنج و محراب (چهار ذرع × شش ذرع) پنج هزار و سیصد ریال.
به ندرت دیده می‌شود نقشه کش روستا نقشه‌هایش را کرایه دهد، اما وقتی پای مساجد و بناهای منبر که در میان باشد حتی اجرت هم نمی‌پذیرد.

* * *

قالیبافان، گاه نقشه را به اشتراک می‌خرند. در بسیاری موارد صاحبان نقشه، آن را به دیگر قالیبافان کرایه می‌دهند و ندرتاً هم به امانت در اختیار همسایگان و آشنایان می‌گذارند. امانت گرفتن و کرایه کردن نقشه و یا مشارکت در خرید آن به نوبه خود باب روابط تازه‌ای را میان قالیبافان می‌گشاید و در این رهگذر آنها را به همکاری و اشتراک مساعی در سایر مسائل اجتماعی، می‌کشاند. نه تنها در این مورد خاص بلکه در بسیاری موارد به روابط و تماسهایی برمی‌خوریم که از فعالیت‌های

نصف استکان رنگ زرد و چهار قطره سورمه‌ای بدست می‌آید، این رنگ را علاوه بر مله‌ای Malleii، لکه بهی Lakke-beii هم می‌نامند.

۴- سبز کم رنگ

۵- سبز پر رنگ

۶- دارچینی

۷- سوخته : که همان قهوه‌ای است.

۸- آبی کم رنگ

۹- آبی پررنگ

۱۰- دوغی : صورتی پررنگ

۱۱- چهره‌ای : صورتی کم رنگ

۱۲- سورمه‌ای

۱۳- گلی

۱۴- طلائی

اراقم زیر، چند نمونه از اجرتی است که در این روستا برای ترسیم نقشه دریافت می‌شود.

۱- اجرت نقشه قالی افشان (یک ذرع × یک ذرع و نیم) هشتصد ریال.
۲- اجرت نقشه قالی ترنج و محراب (یک ذرع × یک ذرع و نیم) هفتصد ریال.

قالیبافان به ندرت از بقچه‌های پشم رنگی استفاده می‌کنند، بلکه غالباً پشم ساده می‌خرند و در خود نوش‌آباد رنگ می‌کنند. برای رنگ کردن هر بقچه پشم، چهار صد ریال و هر بقچه کاموا، نهصد ریال اجرت می‌پردازند. پود را سابقاً روی بقچه‌های پشم حساب می‌کرده، بابت آنها پولی نمی‌پرداختند ولی اخیراً برای پود هم (که همیشه رنگش آبی است) وجه مختصری می‌پردازند. رنگرز پیرمردی هفتاد و پنج ساله است بنام حاج عباسقلی چاوشیان. سابقاً چاوش بوده است. چاوشی را از پدرانش به ارث برده و این ارثیه به فرزندانش هم رسیده است. پسران بزرگش فقط در مواقع ضروری به چاوشی و مداحی می‌پردازند و بقیه اوقات در کارگاه پدر به رنگری مشغول‌اند. پیرمرد رنگرز، استادی ورزیده است و کارش نیز آنقدر پر ارزش که نه تنها خوداهالی نوش‌آباد، بلکه از روستاهای مجاور و بخصوص از آران و بیدگل به سراغش می‌آیند. چندین رنگ از عناصر طبیعت بدست آورده که به ادعای خودش نبوغ و ابتکار شخص وی بوده است. مثل رنگ خاکی از ترکیب پوست گردو، پوست افاوروناس یارنگ کرم از امتزاج هلیله سیاه و زنگوله گلجه Golje (بوته‌ای بومی در نوش‌آباد با همین نام).

در ساختن رنگ مهارتی کامل دارد و می‌گوید «ساختن رنگ اصیل و ثابت بواسطه زحمت طاقت‌فرسایش گران تمام می‌شود و غالباً مشتریان حاضر نیستند مبلغ گرافی، بابت این‌گونه رنگهای طبیعی، که بعضی از آنها مثل «کرم هلیله‌ای»، فقط پس از گذشت سالیان دراز، اصالتشان به ثبوت می‌رسد، بپردازند. بدین ترتیب رنگهای شیمیائی و غیر ثابت، به سرعت جایگزین رنگهای طبیعی و اصیل ایرانی می‌شود و این مساله به ارزش پرسابقه قالی‌های ایران لطمه خواهد زد»^۹ همین

رنگرز مدعی است که برای بافتن يك قالی نفیس و با نقش ملك فیصل و همسرش که توسط قالیباف مشهوری بنام آقارضا زرينه در مشهد بافته شده، در حدود نود رنگ ساخته است.^{۱۰}

فن رنگری :

ابتدا کلافهای پشم را از هم بازمی‌کنند و با آب نیم‌گرم به (گویش محلی مولول Mulul) می‌شویند، آنگاه کلافها را داخل ظرف پر از آب بزرگی بنام پاتیل Pâtil که روی کوره‌ای نصب شده، می‌ریزند و رنگ مربوطه را به آن اضافه می‌کنند. برخی رنگها باید جوش بخورد مثل گلی، سورمه‌ای، لاک‌قهوه‌ای، طلائی و سبز. برخی هم احتیاج به جوش خوردن ندارد و فقط آب را به‌میزانی گرم می‌کنند که داغ شود، مثل رنگهای آبی کم‌رنگ و پررنگ، بعضی رنگها که در نوش‌آباد مورد استفاده قرار می‌گیرد طبیعی است و بعضی شیمیائی، برخی دیگر هم مخلوط است، یعنی با افزودن مواد شیمیائی به رنگ طبیعی بر میزان ثبوت آن می‌افزایند. رنگ‌های طبیعی که در نوش‌آباد مورد استفاده قرار می‌گیرد عبارتست از:

- ۱- رنگ سبز که امتزاجی است از، برگ مو، زاج سفید (به گویش محلی زاج سفید)، نیل.
- ۲- رنگ خاکی که امتزاجی است از، پوست گردو، پوست انار، روناس.
- ۳- رنگ کرم که امتزاجی است از، هلیله سیاه، زنگوله گلجه.
- ۴- رنگ قهوه‌ای که امتزاجی است از، پوست انار، روناس، زاج سیاه.
- ۵- رنگ طلائی که امتزاجی است از، برگ مو، زاج سفید، روناس.
- ۶- رنگ قله‌ای که امتزاجی است از، برگ مو، زاج سفید، روناس و نیل.
- ۷- رنگ دوغی و چهره‌ای که امتزاجی است از، ماست، روناس، زاج سفید.

اصولاً رنگری از جهتی بسیار فنی و محتاج دقت ذهنی است و از سویی فعالیت شدید جسمی طلب می‌کند. یعنی يك رنگرز در جایی می‌باید با کمال دقت دست‌بامتراج رنگها بزند و پامیزان حرارت لازم برای هر رنگ و متناسب با انواع مختلف پشم را تعیین کند و در جایی دیگر لازم است ساعت‌های متمادی در برابر حرارت و بخار کوره بایستد و کلافهای پشم را زیر و رو کند. بهر طریق عمل آوردن رنگ، به خصوص طبیعی، کاری است بسیار فنی که تجربه و مهارت و زحمت فراوان می‌طلبد، به‌عنوان نمونه به شرح کوتاهی از طریقه درست کردن رنگ دوغی و چهره‌ای می‌پردازیم :

در آغاز کلافهای پشم را در محلول زاج سفید می‌جوشانند و شب تا صبح آنرا به حال خود رها می‌کنند، آنگاه در آب روان می‌شویند و گاه گاه می‌چشند تا زمانی که مزه ترشیدگی از آن احساس کنند، در این هنگام دست از شستشو برمی‌دارند. سپس محلولی از ماست و روناس درست می‌کنند (به‌ازای هر شش کیلو پشم، هجده کیلو ماست و چهار کیلو ونیم روناس). کلافهای پشم در این محلول دوسه روزی می‌ماند و آنگاه شسته می‌شود، دوسه ساعتی هم به همان حال در آب می‌ماند و سپس کلافها را بیرون آورده، خشک می‌کنند. در تمام این مراحل مراقبت فراوان لازم است تا هر مرحله‌ای، دقیقاً زمان لازم بگذراند و هر محلولی، کیفیتی متناسب با نوع رنگ و زمان و مقدار پشم داشته باشد. کوچکترین سهل‌انگاری نتیجه نامطلوب بیاری می‌آورد.

بغیر از رنگهای طبیعی مذکور، بقیه رنگها با مواد شیمیائی ساخته می‌شود. به کمک سولفات دوسود و گرد هیدرو-سولفید، بر میزان ثبوت برخی رنگهای طبیعی می‌افزایند. این رنگها عبارتند از: سورمه‌ای، آبی، سبز، خاکی، تیرمه‌ای، دودی، ساقه چناری (سبز سیر مثل رنگ ساقه‌گیاه). هر کدام از رنگهای طبیعی

و شیمیائی به چندین رنگ تقسیم می‌شوند که از نظر روشنی و تیرگی باهم اختلاف دارند.

و بدین ترتیب قالیبافی در کنار تاثیرات اقتصادی و اجتماعی فراوانش، فنون مادی و ارزشهای هنری متعددی را به عرصه ظهور می‌کشد که از جمله فن رنگرزی است با تکنیک پیچیده‌اش. رنگرزی در این روستا علاوه بر پایگاه هنری‌اش موجب می‌شود بر خورددها و روابط تازه‌ای میان اهالی روستا بایکدیگر از یک سو و با روستاهای مجاور از سوی دیگر پدیدار گردد. در طی روز افراد زیادی با برای تحویل دادن بقیچه‌های پشم و یا برای بردن پشم‌های رنگ شده، به این کارگاه مراجعه دارند و غالباً اجتماعی از مشتریان در برابر کارگاه تشکیل می‌شود. مشتریان ساعت‌ها روی بسته‌های پشم می‌نشینند و گپ می‌زنند و بیکدیگر تنقالات تعارف می‌کنند. حتی عزاداری‌ها و مراسم مذهبی که اغلب موجب تماس افراد بایکدیگر بوده است، ساکنان محله‌های دورازهم را نمی‌تواند با یکدیگر مواجه سازد زیرا هر محله‌ای مسجد و حسینیه‌ای خاص خودش دارد و اهالی هر محله هم ترجیح می‌دهند، در نزدیکترین مسجد یا حسینیه حضور یابند، فقط در این رفت و آمدهای دائمی به کارگاه است که گاه توفیق تجدید دیدار دوستان و آشنایان و حتی روستائیان مجاور دست می‌دهد. به این نکته نیز باید اشاره کرد که نیاز روستائیان به پیرمرد رنگرز و پسرانش آنان را از موقعیت اجتماعی خاص و احترام فراوانی برخوردار کرده است.

ارزیابی اقتصادی قالیبافی :

الف - مزد شاگرد قالیباف :

در نوش آباد غالباً هر فرد برای خودش کار می‌کند، ولی کسانی هم هستند که به واسطه عدم استطاعت مالی به شاگردی می‌روند. مزد یک شاگرد قالیباف رامیزان مهارتش تعیین می‌کند. اگر بتواند «سیا»

بزند یعنی هنگام بافتن قالی نقشه را روی متن آن پیاده کند و به عبارت دیگر، اگر نقشه‌خوانی بداند، مزدش بیش از یک شاگرد معمولی است. برای آنکه حدود این ارزیابی مشخص باشد یکی قالی‌سدر چهارمتر را ملاک سنجش قرار می‌دهیم : یک قالی سه در چهارمتر بطور متوسط از هزار و هشتصد ریج یا هزار و هشتصد ریف عرضی تشکیل می‌شود. یک شاگرد معمولی، برای بافتن یک ریج، بیست ریال مزد می‌گیرد به اضافه دو بیست سیصد ریال که در پایان، به صورت انعام دریافت می‌دارد. بنابراین به یک چنین قالی، حدوداً سی و شش هزار ریال مزد تعلق می‌گیرد. البته این رقم کاملاً تخمینی است زیرا تعیین مزد بافتن یک قالی خالی از اشکال نیست مثلاً در برخی موارد «سیازن» مقداری از قالی را می‌بافد و فقط قسمت‌هایی را که از ریشه‌های هم رنگ تشکیل می‌شود باز می‌گذارد. این قسمت‌ها را که چاله نام دارد و بافتنش آسانتر است، شاگرد معمولی پر می‌کند ولی در ازای هر ریج بیش از ده ریال مزد نمی‌گیرد. مسأله دیگر اینکه کمتر کسی برای بافتن تمام قالی مزد می‌پردازد بلکه معمولاً به حکم ضرورت، مثل موقعی که موعد قرارداد روبرو تمام است و بافت قالی عقب افتاده یا فصل امتحانات است و فرزندان خانواده فرصت قالی‌بافی ندارند و یا مواردی از این قبیل است که احتیاج به شاگرد مطرح می‌شود.

ب - بهای مواد اولیه :

برای بافتن یک قالی سه در چهارمتر، حدوداً هشت بقیچه پشم لازم است. هر بقیچه چهار کیلو و نیم وزن دارد و هر کیلو به تفاوت جنس از دو هزار و دو بیست تا دو هزار و چهار صد ریال خریداری می‌شود که در مجموع، رقمی معادل هفتاد و دو هزار و هشتصد ریال به دست می‌دهد. اگر بهای رنگ کردن پشم را (هر بقیچه چهار صد ریال) منظور کنیم این رقم تا هفتاد و شش هزار ریال افزایش می‌یابد.

پودی که برای بافتن قالی مذکور به مصرف می‌رسد، حدوداً دوازده کیلو است. بهای هر کیلو پود دو بیست ریال می‌باشد که پانصد ریال هم بابت رنگ آمیزی آن باید بپردازند. بنابراین مخارجی که به خرید پود و رنگ کردن آن اختصاص می‌یابد تقریباً دو هزار و نه صد ریال است. اگر حساب کنیم که برای بافتن یک دهم قالی، از شاگرد قالیباف مدد بگیرند، یک قالی سه در چهارمتر حدوداً هشتاد و دو هزار و پانصد ریال تمام خواهد شد بدون آنکه مخارجی مثل دلالی، انعام شاگرد قالیباف، مالیات محلی و پول نقشه و جوهری از این قبیل را به حساب آورده باشیم.

ج - فروش :

معمولاً فروش قالی در خودنوش آباد صورت می‌گیرد. هر محله چند خرده دلال دارد، که واسطه معامله با تجار و دلان عمده هستند. دلان عمده هم اهل نوش آباد هستند و قالی‌های خریداری شده را به «تعمیرگاه»، و یا «دستگاه بندی» های کاشان می‌برند تا گرد و خاک قالی را بگیرند و کجی و ناصافی آن را که سزه Sare نامیده می‌شود مرتفع سازند. دلان محلی از ده هزار ریال معامله، هشتاد الی صد ریال حق دلالی می‌گیرند (یعنی از یک قالی یکصد و بیست هزار ریالی، هزار الی هزار و دو بیست ریال). پرداخت نیمه از این مبلغ با خریدار و نیم دیگرش با فروشنده است، به اضافه مبالغی به عنوان انعام یا شیرینی که فروشنده موظف است

۹- برخی تصور می‌کنند که ثبات رنگ‌های شیمیائی از طبیعی کمتر است. حال آنکه این امر جز در مورد رنگ های جوهری و تعداد کمی از رنگهای اسیدی قوی که در برابر نور و شستشو کم ثبات هستند صدق نمی‌کند. به نقل از کتاب هنر و صنعت قالی در ایران نوشته منصور ورزی از انتشارات رز.

۱۰- این قالی را به عراق برده‌اند.

۱۱- ارزش قالی بسته به کیفیت رنگ و نوع مواد اولیه و ظرافت بافت و چگونگی نقشه؛ تفاوت می‌کند.

به همراهان دلال بپردازد. خروج هر قالی از نوش آباد مشروط است به پرداخت صدو پنجاه ریال، تحت عنوان «عوارض لوله» هنگام معامله تکلیف این پول را هم معلوم می کنند که پرداختش بر عهده خریدار یا فروشنده باشد. (توضیح اینکه سالها پیش برای تأمین مخارج لوله کشی صدو پنجاه ریال بر هر یک از قالی های صادره از روستا، مالیات محلی بسته بودند و هم اکنون با وجود آنکه مسأله لوله کشی حل شده است این پول با همان عنوان دریافت میشود و توسط انجمن ده به سایر مصارف عمرانی می رسد). با توجه به هزینه های مذکور، اعم از مواد اولیه و خرج رنگ کاری و مزد شاگرد و دلالی و انعام و مالیات محلی و غیره، و کسر آنها از مبلغ فروش که از نود هزار ریال الی سیزده هزار ریال متفاوت است می توان به ارزیابی مختصری از نظر اقتصادی در مورد قالیبافی دست زد. استفاده از سرکش (Sarkas) قالی را نیز می باید بر درآمد حاصل از قالیبافی افزود. توضیح اینکه خامه های تکه تکه ای که به دور تارهای دستگاه گره می خورد و هر کدام سلولی از قالی را تشکیل می دهند، بعد از گره خوردن کمی بی حالت و ناصاف می شود لذا برای اینکه حالت بگیرد و ضمناً کرکش جدا شود با دو انگشت شست و نشانه، کرکشان را جدا می کنند. این کرکها را که سرکش نامیده می شود سابقاً کیلویی سی تا چهل ریال می فروختند ولی در حال حاضر بیشتر برای پر کردن تشک و لحاف و بالش و مفرش مورد استفاده قرار می دهند.

قالیبافی و دگرگونی های ناشی از آن:

همانطور که بیان شد، طی چندسال اخیر، قالیبافی در این روستا اهمیت فراوان یافته است و در صف جان روستائیان پرورش می یابد. این مشغله همچون خورشیدی تابناک، همه چیز را در زیر پرتو خود، رنگی خاص بخشیده است. نوع صحبت ها و فعالیت ها، شکل رفت

و آمده ها و معاملات، ملاک ارزش های هنری و شایستگی، تنها معیار دارندگی و برخورداری، حتی قاموس لغات و اصطلاحات و اعتقادات و رسوم، همه و همه تحت تأثیر مسأله قالیبافی، شکلی خاص به خود گرفته است. در زیر به بررسی کوتاهی پیرامون نقش قالیبافی در امر مسکن و روابط خانوادگی و شکل اعتقادات می پردازیم.

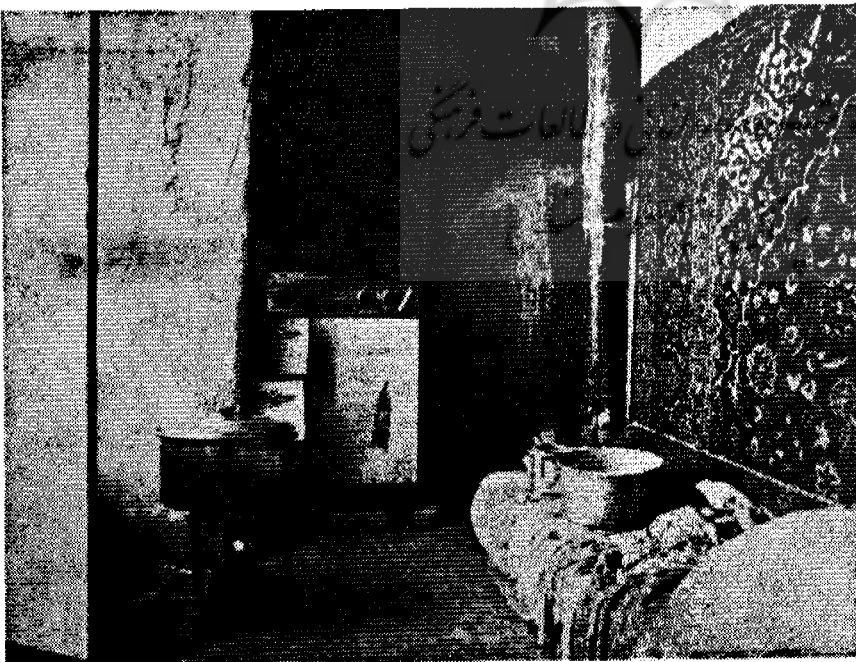
نقش قالیبافی در شکل مسکن:

در گذشته ای نه چندان دور، به تبعیت از نوع معیشت مبتنی بر کشت و زرع، اولین منظور از ایجاد مسکن، تأمین مکان مناسبی برای استراحت خانواده و انبار کردن محصولات کشاورزی و نگاهداری دامها بوده است. به همین دلیل مسکن این روستا از ضمائم و اجزاء خاصی تشکیل می شد، مثل اطاق نشیمن، آشپزخانه، انباری، طویله، مستراح، در این تیپ

مسکن، طویله و بخصوص انبار، اهمیت بسزایی داشته و سایر اجزاء خانه را، تحت الشعاع قرار می داده است، چرا که انبار کردن محصولات کشاورزی و محفوظ داشتن ابزار و آلات کشت و زرع و نگاهداری دام، مهمترین مسائل مبتلا به این روستا را تشکیل می داده است.

لکن امروز نقشه خانه های مسکونی به سختی تحت تأثیر نقش قدرتمند قالیبافی قرار گرفته است، به نحوی که اولین منظور از ایجاد خانه، تهیه محل مناسبی است جهت برپا کردن «دار» یا «دستگاه» قالی بافی. مهم نیست اطاق نشیمن یا بقول خودشان «اطاق نشستن» کجا باشد، بلکه مهم آنست که اطاق قالیبافی در محل مناسبی قرار گیرد. بهترین مکان را به اطاق قالیبافی اختصاص می دهند، آنچنانکه کاملاً نورگیر باشد و آفتاب بخوبی در آن بتابد. دقت فراوان دارند در اینکه اطاق مزبور رطوبت نگیرد و بادخور یا به اصطلاح خودشان

قسمت اعظم وقت اهالی خانه در اطاق قالیبافی می گذرد



«شمال خور» باشد. بقیه اطاقها پس از تعیین محل اطاقها، پس از تعیین محل اطاق قالی بافی، اگر جائی برای خود بیابند شکل می گیرند به شرط اینکه کاملاً در خدمت اطاق مزبور باشند.

وجود اطاق قالی بافی، موجب حذف برخی از اجزاء خانه مثل آشپزخانه و اطاق نشیمن گردیده است. در بسیاری از خانه ها اطاق نشیمن همان اطاق قالی بافی است که در زمستان نیز به واسطه وجود پشم، گرمای حفظ می کند. اطاق نشیمن اگر هم در خانه ای وجود داشته باشد غالباً بی مصرف می افتد زیرا که قسمت اعظم وقت اهالی خانه در اطاق قالی بافی می گذرد و حتی غذا را هم در همین اطاق می پزند.

مستراح، در آن تیب از مسکن که فعلاً در برابر خانه های جدید عقب نشسته اند نقش عمده ای داشته و فضای خلوتی از صحن حیاط را به خود اختصاص می داده است و به طریقی ساخته می شده که مدفوع اهالی خانه را، برای تقویت زمین های کشاورزی جمع آوری کند و در دسترس بگذارد، حال آنکه تغییر نظام معیشتی از کشاورزی به قالی بافی، در حال حاضر، غالب روستائیان را از کود انسانی بی نیاز کرده و ضرورتاً نقش سابق مستراح را از میان برداشته است.

در تیب جدید مسکن که زیر تأثیر نظام معیشتی جدید شکل گرفته اند، مستراح جمع وجورتر شده و در بسیاری موارد با شکل مدرن خود به داخل فضای مسکونی آمده است. دهانه زیر زمین ها وسیع تر شده است، تا سهولت رفت و آمد را در فصل تابستان فراهم نمایند و نور را بهتر به درون زیر زمین هدایت کنند. زیرا که در بیشتر خانه ها از چند دستگاه قالی بافی، یکی را در زیر زمین و صرفاً برای این فصل کار گذاشته اند. از این رهگذر، زیر زمین ها در عین حال که وسعت گذشته را ندارند، دقت بیشتری در ساختنشان معمول می گردد به جهت آنکه تابستانها با قدم مبارک قالی بافان مزین می شوند.

برای آنکه دست و پای ساکنین خانه باز شود و امکان ایجاد يك دستگاه اضافی فراهم آید، در بسیاری از خانه ها، بخش مسکونی مجزائی در یکی از جوانب حیاط ساخته می شود. بنابراین در خانه های این روستا، فراوان می بینیم که بخش مسکونی جدیدی را به تازگی بر بخش یا بخشهای قبلی افزوده اند. اطاق قالی بافی تکنیک خاصی را هم در امر خانه سازی به وجود آورده، و آن عبارت است از رعایت برخی نکات فنی مثل در نظر گرفتن قطر بیشتر برای پایه های اطاق قالی بافی و ضخامت بیشتر برای سقفی که اطاق قالی بافی روی آن قرار می گیرد. سقف اطاق قالی بافی نیز با بسیاری از سقف ها فرق می کند. کمال مراقبت بکار می رود تا از باران و برف، کمترین نفوذی به این اطاق، که قلب حیات اقتصادی روستا به شمار می رود راه نیابد.

بر تأثیرات قالی بافی بر روی مسکن، که شرح مختصرش گذشت، می باید تغییرات دیگری را هم که بطور غیر مستقیم و تحت تأثیر تغییر نوع معیشت از کشاورزی به بافندگی، در این مورد پدیدار گردیده است افزود. این تغییرات که از افزایش سطح درآمد و نتیجتاً امکان برخورداری از تکنیکی کامل تر مایه می گیرد، موجب حذف مواردی گردیده است که عامل وجودی اشان ضعف قدرت تکنیکی بوده است. به عنوان مثال باید به بادگیرها اشاره کرد. بادگیر، تاچندی پیش، یکی از ضوابط اصلی مسکن بود و تنها راه فرار از گرمای طاقت فرسای تابستان بشمار می رفت، لکن اکنون درآمد ناشی از قالی بافی، خرید پنکه و یخچال را برای اکثر خانواده های قالی باف میسر کرده، از این رهگذر، ضرورت ایجاد بادگیر را از میان برداشته است. مثال دیگر در این مورد، تبدیل مصالح ساختمانی از خشت و گل به آجر و تیر آهن و سیمان است. این تغییر در مصالح ساختمانی به نوبه خود، دگرگونی هایی در سبک ساختمان ایجاد کرده است، به این معنی که وجود خشت، سقفهای گنبدی و پایه های ضخیم

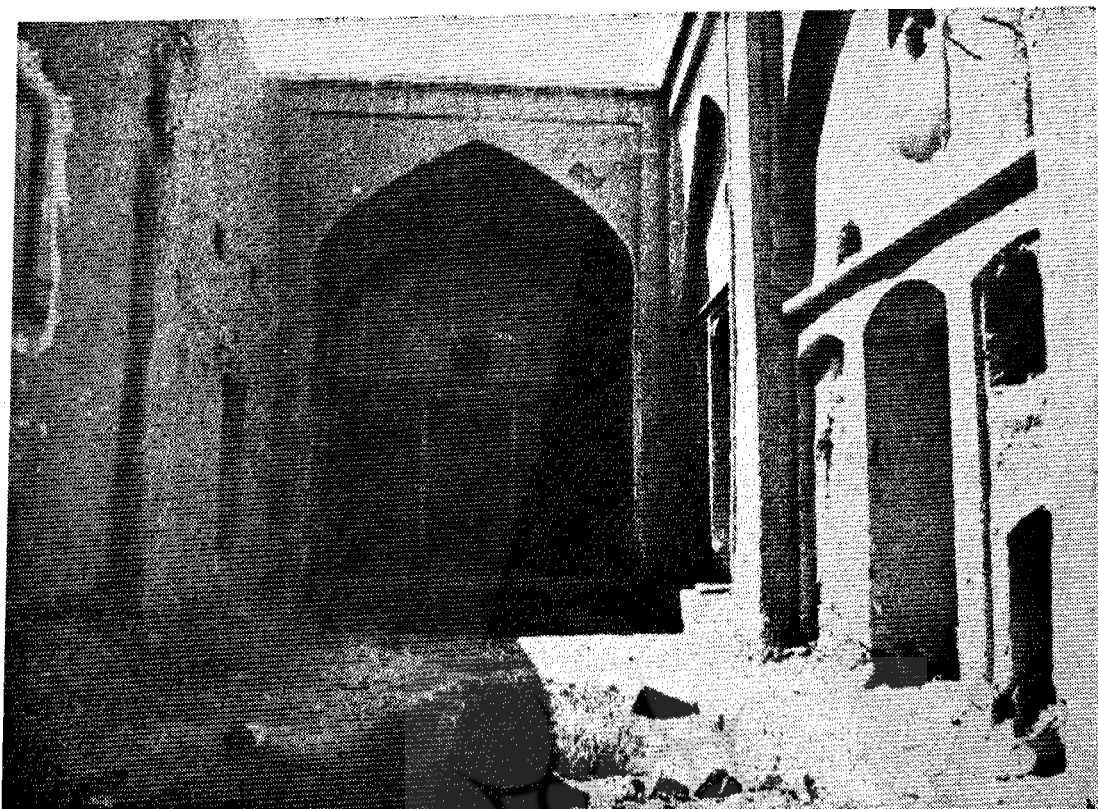
و ستون های کلفت را موجب می شده است و در حالی که بکارگرفتن آجر و تیر آهن، سقفهای صاف و مسطح را به وجود آورده، ضرورت ضخیم گرفتن پایه ها و ستونها را از میان برداشته است.

مقایسه تصاویر شماره هشت و نه، نشان می دهد که چگونه تحت تأثیر تغییر نوع معیشت از کشاورزی به قالی بافی و افزایش درآمد ناشی از آن، سبک بنا بکلی دگرگون شده است.

نقش قالی بافی در ارزشهای خانوادگی

همانطور که آمد تا قبل از اشاعه قالی بافی، نظام معیشتی غالب، بر پایه کشاورزی استوار بود. کشاورزی در این منطقه خشک و خشن، نیروی جسمی فراوانی می طلبید که بتواند پنجه در پنجه هیولای کویر انداخته، سرسختانه مبارزه کند و این استقامت و قدرت هم صرفاً در وجود مردان جمع بود. زنان با نقش اندکی که در زندگی روزمره داشتند، تا حداقل رتبه اجتماعی شان تنزل کرده بودند و بالطبع دختران هم در مقایسه با فرزندان پسر، از اهمیت کمتری برخوردار بودند. لکن امروز که نظام معیشت مبتنی بر کشت و زرع، در برابر قالی بافی عقب نشسته است زنان مجال یافته اند تا عرض وجودی کرده، در سرنوشت مادی خانواده نقش مهمی را ایفا نمایند. دختران برخلاف سابق، منشاء درآمد و مورد احترام هستند و اجرو قرب فراوانی یافته اند، به حدی که خانواده های دختردار حاضر نیستند، دخترشان، خانه پدری را به سوی خانه شوهر ترک کند، در حالی که خانواده های پسر دار میکوشند هر چه زودتر برای پسرشان همسری دست و پا کنند و بدین وسیله، دستی نیرومند بر تعداد دستهای روزی آفرین خانواده بیفزایند. ممانعت خانواده های دختردار از شوهر کردن آنان موجب بالا رفتن سن ازدواج در این روستا شده است.

بهر طریق ورود قالی به خانه های نوش آباد مسائل مختلفی در روابط خانوادگی



یکی از مسکن قدیمی

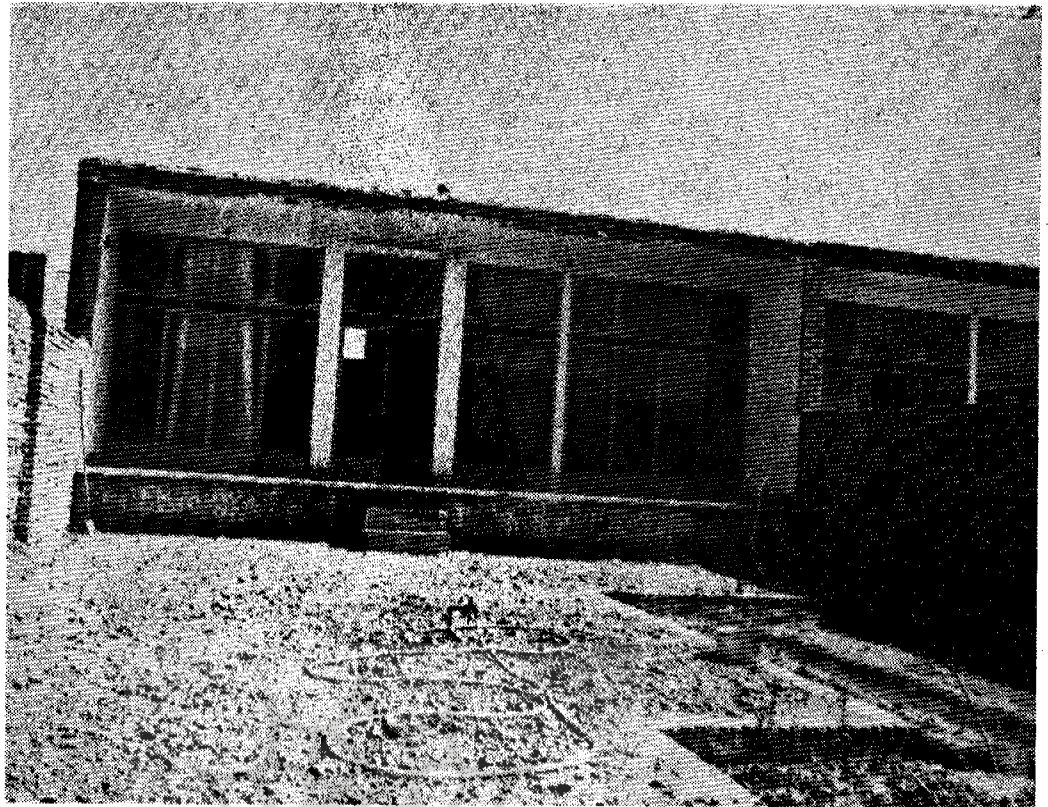
و سنگینی قدمش گریبانگیر آنها نشود. نسبت به چشم زخم حساسیت عجیبی دارند، غالباً دانه‌های به نخ کشیده اسفند را که دافع چشم‌زخم و ضمناً زینت‌بخش خانه است، به دیوار مقابل در ورودی خانه و یا اطاق قالیبافی می‌آویزند، تا نگاه تازه‌واردین بر آن افتد و شوری نگاهشان زایل گردد. به هنگام بافتن قالی اگر کسی که چشمش شورا است به قالی نگاه کند، قالیبان زیر لب می‌گویند: « نمک، آهک، نمک آهک... » رسم دیگری که برای دفع چشم‌زخم متداول است، ریختن آب آهک پشت دیوار خانه و بخصوص پشت دیوار اطاق قالیبافی و یا آویختن کلیاب^{۱۴} Kalyâb از سقف اطاق مزبور است. با وجود آنکه اهالی نوش‌آباد، از هر دقیقه

قالیبافانی که کار بافتن قالی جدید را آغاز می‌کنند، نگرانند تا چه کسی برای اولین بار قدم به درون خانه می‌گذارد. به اعتقاد اهالی نوش‌آباد، اولین کسی که به هنگام شروع یک قالی، به خانه قالیباف می‌آید در سرنوشت آن قالی سهم مؤثری دارد، بدین معنی که اگر قدمش سبک باشد، قالی بزودی تمام خواهد شد و اگر قدمش سنگین باشد، زمان بافت قالی به درازا خواهد کشید. روی همین اصل برخی خانواده‌ها در آغاز کار به دنبال کسی که قدم سبک دارد می‌روند تا از زمین قدمش بهره‌مند شوند. این شخص یکی دوریسه می‌بافد و یک دورهم گرد دستگاه قالی می‌زند و می‌رود. اگر به هنگام شروع قالی، کسی که قدمش سنگین است به درون آید، یکی دو روز کار را تعطیل می‌کنند تا شومی

مطرح کرده و ترتیب ارزشهای سابق را هم درهم ریخته است. حال دیگر میزان لیاقت و شایستگی مردان و پسران جوان، نه در صحرا، بلکه در پشت‌داربست قالی تعیین می‌شود در حالی که زنان و دختران بروالاترین مسند موقعیت اجتماعی خویش تکیه زده‌اند.

رابطه میان قالیبافی و اعتقادات عامه:

مسأله قالیبافی همچنانکه در تمام شئون مادی زندگی روستائیان مؤثر افتاده، در مبادی ذهنی و اعتقادی آنان نیز رسوخ یافته، بخصوص چرخ اعتقادات و باورهای روستائیان را بر محور خویش به گردش آورده است.



یکی از مسکن جدیدی که وجودش مرهون اشاعه فن قالبیافی و افزایش درآمد ناشی از آنست

* * *

بدین ترتیب اشاعه فن قالبیافی که در نگاه اول حرفه ساده‌ای بیش نیست، همچون خورشیدی تابناک تا عمق زندگی مردم این روستا، پرتو افکنده و نه تنها مسائل مادی مربوط به نوع معیشت و سبک بنا و ابزار کار و نظایر آن، بلکه ارزشهای معنوی و مبنای ذهنی و اصول اعتقادی آنان را رنگی خاص بخشیده است.

جمله، حکم کلی روز چهارشنبه را صادر نموده‌اند «چهارشنبه ریس، کفن بریس» یعنی کسی که چهارشنبه کار کند، به دست خود کفن خویش را دوخته است. اهالی ده متفقاً داستان زنی را بازگویی کنند که چند سال پیش علیرغم ممانعت همسایگانش، روز چهارشنبه دست بکار بافتن شده و در همان روز چشم از دنیا فرو بسته است.

روز جمعه را عید محمد (ص) می‌دانند، لذا شب جمعه به احترام وی دست از کار می‌کشند. روز شنبه را برای شروع قالی جدید، مناسب نمی‌دانند. بنابراین اگر روزهای آخر هفته کار بافتن قالی روبه اتمام باشد با عجله آن را تمام می‌کنند و روز پنج‌شنبه، مختصری از قالی جدید را می‌بافند که شروع آن با روز شنبه مصادف نشود.

و هر فرصت کوتاه سودجسته و حتی شهادت از کار نمی‌کشند، معیناً بعضی قالبیافان در روزهای خاصی که بیشتر با عقاید مذهبی‌شان پیوند دارد، کار قالبیافی را تعطیل می‌کنند. این روزها عبارتند از تاسوعا، عاشورا، روز ختم (روز بعد از عاشورا)، روز شهادت حضرت علی (ع)، روز عید قربان، روز عید غدیر، روز فطر، عرفات، روز شهادت امام حسن، روز شهادت امام رضا، روز وفات حضرت رسول، سه روز اول ایام فاطمیه، روز سیزدهم فروردین و هر شب چهارشنبه. برای چهارشنبه اعتقادات پیچیده و مبهمی دارند. بعضی می‌گویند در این روز خداوند جهنم را خلق کرده است. دلایل دیگری هم برای حرمت روز چهارشنبه دارند که هر چه سعی کردم توضیح بیشتری نیافتم. بهر حال با این

۱۲- کلباب که قاعدتاً باید همان قلیاب باشد، اصطلاحی محلی است و به جرمی می‌گویند که از سوزاندن بوته تازه چوبک بدست می‌آید.